

توافق هسته‌ای؛ از اراده تا عمل

تیر 15، 1393
توافق هسته‌ای؛ از اراده تا عمل

صادق زیبا کلام

بعید به نظر می‌رسد که میان هموطنانمان کسی باشد که هنوز متوجه حساسیت مذاکرات 21 روزه سرنوشت‌ساز هسته‌ای - که از روز پنجم‌شنبه در «وین» آغاز شده - نشده باشد. برای درک اهمیت این مذاکرات، کافی است به تیم مذاکره‌کنندگان آمریکایی نگاهی بیندازیم. آمریکایی‌ها از نظر تعداد، بیشترین افراد را به «وین» اعزام کرده‌اند. 17 نفر از مسؤولان ارشد کاخ سفید به علاوه یک، دوچین کارشناس و متخصص، ستون فقرات آمریکایی‌ها را تشکیل می‌دهند. شاید تصور کنیم همه کارشناسان، متخصصان تسليحات و امور هسته‌ای هستند. این حرف البته درست اما ناقص است چراکه شماری از اعضای ارشد تیم آمریکایی را نه متخصصان هسته‌ای بلکه کارشناسان امور مالی و بانکی تشکیل می‌دهند. این نشان می‌دهد آمریکایی‌ها چقدر جدی به این مذاکرات و نتیجه بخش‌بودن آن مبنگردند که از حال رفته‌اند برای مرحله بعد از توافق «وین». یعنی گام دوم که در برگیرنده چانه‌زنی، تصمیم‌گیری و توافق روی رفع تحریم‌هاست. در راس همه تحریم‌ها، دارایی‌های بلوکه شده ایران در بانک‌های اروپایی، آمریکایی و آسیایی است. دست‌کم 120 میلیارد دلار از دارایی‌های ایران به واسطه تحریم‌ها در حساب‌های این بانک‌ها مانده است. بعد از جریمه سنگین هشت میلیارد دلاری بزرگ‌ترین بانک فرانسه از سوی دادگستری ایالات متحده به واسطه نقض تحریم‌های ایران، کره‌شمالی و سوریه که هفته گذشته صورت گرفت به نظر می‌رسد شرایط برای بانکها و موسسات مالی در مورد دارایی‌های ایران که در حساب‌ها یشان است، بسیار سخت‌تر شده است. به همین دلیل است که آمریکایی‌ها متخصصان و کارشناسان مالی و بانکی را هم با خود به «وین» برده‌اند تا با کمک مقامات ایرانی بتوانند به یک فرمول و ترتیبی برای آزادکردن تدریجی دارایی‌های ایران برسند. آنچه کل قضیه را پیچیده می‌کند این است که بخشی از تحریم‌ها در دست قوه مجریه و او با ماست اما بخش‌های دیگر توسط کنگره به تصویب رسیده و در نتیجه رئیس‌جمهور نمی‌تواند دخل و تصرفی در آنها داشته باشد. کنگره هم به مرور زمان و در صورت پیشرفت توافقات نهایی، شروع به برداشتن تحریم‌ها خواهد کرد. البته این فقط شمار بالای مقامات ارشد آمریکایی در «وین» نیست که اهمیت مذاکرات را

نشان می‌دهد. تعیین زمان 21 روز مداوم برای مذاکرات، نه تنها کم‌سا بقه که بسیا بقه است. نفس تعیین سه هفته مذاکره، مبین آن است که دو طرف، عزم و اراده جدی برای رسیدن به توافق دارند. اگرچه همه شواهد و قراین از حصول توافق حکایت دارد؛ اما به‌حال هیچ تضمینی نیست که توافق قطعی باشد. اما چرا اینقدر موضوع هسته‌ای ما پیچیده شده است و چرا نیاز به صدها ساعت مذاکره پیدا کرده، ضمن آنکه طرف قریب به یک‌سال گذشته هم بدون اغراق، صدها ساعت مذاکره صورت گرفته است؟ این سوال زمانی معنادارتر می‌شود که میدانیم دستکم، هم دولت جدید ایران و هم کاخ سفید به جد خواهان حصول توافق هستند. غربی‌ها و بهویژه آمریکایی‌ها حاضر شده‌اند در اصول و با وجود هشدارها و زنهارهای جمهوری‌خواهان تندره به علاوه اسراییلی‌ها و طرفداران با نفوذ آنان در ایالات متحده، به ایران اطمینان کنند که سودای تولید سلاح هسته‌ای نداشته و فعالیت‌های هسته‌ای آن صرفا به‌دلیل مقاصد غیرنظامی است. اما آنها در عین حال عنوان می‌کنند ممکن است در آینده‌ای دور، ایران تغییر عقیده داده و بخواهد به سمت تولید تسليحات هسته‌ای برود. به‌واسطه این موضع، آمریکایی‌ها اصرار دارند که توان هسته‌ای ایران به اندازه‌ای تقلیل یابد که اگر در آینده به‌سمت دیگری برود، زمان زیادی لازم باشد. به تعبیر خانم وندی شرمن، دستیابی به هدف استراتژی «فعالیت هسته‌ای ایران آری؛ اما محدود و کنترل شده»، در لفظ آسان است اما در عمل بسیار پیچیده و دشوار.

اولین مشکل این رویکرد، ایستادگی طرف ایرانی است. ایران به‌طور طبیعی؛ می‌خواهد، طرف غربی ادعای ما را مبنی بر اینکه سودای ساخت سلاح هسته‌ای نداریم، پذیرفته و در نتیجه بتواند در چارچوب قوانین و پادمان‌های بین‌المللی به فعالیت هسته‌ای‌اش در ابعاد و میزانی که می‌خواهد ادامه دهد. «آژانس» هم نظارت‌ها و بازرسی‌های معمول را اعمال کند.

در عین حال، ایران حاضر شده برای دادن اطمینان به غربی‌ها که واقعاً سودای تولید سلاح هسته‌ای ندارد، گام‌هایی بردارد؛ حاضر شده حجم فعالیت‌های هسته‌ای را نه برای همیشه، بلکه در یک محدوده زمانی مشخص، کاهش دهد؛ حاضر شده تعداد سانتریفیوژها یش را موقتاً کاهش داده و به‌دلیل نصب مدل‌های پیشرفته‌تر نرود؛ حاضر شده حجم اورانیوم غنی‌شده‌اش را پایین بیاورد؛ حاضر شده تا تغییراتی در رآکتور آبسنگین ارای بدهد تا پلوتونیوم حاصل از آن آنقدر کم شود که دستکم بین 15 تا 20 سال زمان نیاز باشد تا مقدار آن به

اندازه‌ای برسد که بتوان با آن سلاح هسته‌ای ساخت و تصمیماً تی از این دست. مشکلات هم دقیقاً از همینجا شروع می‌شود. غربی‌ها طبعاً خواهان آن هستند که تعداد سانتریفیوژهای ایران آنقدر کاوش یا بدتاً آنان به یک ضریب اطمینان‌بخش دست یابند.

ایران بر عکس می‌خواهد تعداد دستگاه‌های غنی‌سازی، بیشتر باشد. ایران می‌خواهد حجم اورانیوم غنی‌شده خیلی کاوش پیدا نکند در حالی‌که طرف غربی نگاه دیگری دارد. ایران می‌خواهد روی نسل جدید سانتریفیوژها تحقیق کند. نکته اساسی آن است که غرب همان‌طور که اشاره کردیم حاضر شده فعالیت‌های هسته‌ای ایران ادامه یابد اما همان‌طور که گفتیم محدود و بسیار کنترل شده. ایران اما ضمن آنکه حاضر به برداشت‌ن گام‌های جدی برای اعتمادسازی شده، در عین حال هم می‌خواهد فعالیت‌های هسته‌ای‌اش به‌طور نرمال و طبیعی ادامه یابد.

خاکریز بعدی تحریم‌هاست. همان موضوعی که آمریکا یعنی‌ها برای حل و فصل آن، یک دو جین کارشناس مالی و یانکی را همراه تیم مذاکره‌کننده خود کرده‌اند. خلاصه گفته باشیم در اینجا هم همان مناقشه حداقلی و حداقلی وجود دارد. ایران می‌خواهد تحریم‌ها در حداقل زمان ممکن لغو شوند در حالی‌که غربی‌ها هیچ عجله‌ای برای لغو تحریم‌ها نداشته و برای حصول اطمینان، تمایل دارند تا در یک بازه زمانی طولانی، تحریم‌ها از 15 و حتی 20 سال صحبت می‌کنند. به علاوه همان‌طور که گفتیم بخش عمده‌ای از تحریم‌ها توسط کنگره وضع شده و مکانیزم دشوار و پیچیده‌ای برای برچیده شدن دارد.

ایکا什 آنان که تحریم‌ها را «کاغذپاره» می‌پنداشند، کمی به عاقبت کار می‌اندیشیدند. می‌ماند اینکه چه چیزی سبب می‌شود انسان به صعود و گذر دو طرف از این کوه بلند اختلافات و تفاوت‌ها امیدوار باشد؟ بیش از یک دهه است دو طرف نتوانسته‌اند به فصل مشترکی برسند و پرونده هسته‌ای همچنان باز مانده است. آنچه باعث امیدواری نسبی می‌شود - که شاید در انتهای این تونل بلند 21 روزه بتوان روزنه امیدی را مشاهده کرد - به وجود آمدن اراده قوی در طرف آمریکا یعنی و ایرانی برای توافق است. بنابر دلایلی که تشریح آن نیازمند نوشتار طولانی دیگری خواهد بود، هم تهران و هم واشنگتن به جد و واقعاً به دنبال رسیدن به توافق هستند. طبیعی است که به‌واسطه وجود مخالفان توافق هم در تهران و هم در واشنگتن، طرفین می‌خواهند امتیاز کمتری بدهند اما آنچه باعث امیدواری می‌شود فضای گرم‌تر، ادای احترام متقابل میان دو طرف بعد از نزدیک به 34 سال و سرانجام

یکدیگر را در نه قامت دشمن که در قالب دو رقیب دیدن است. 21 روز نفسگیر، با ید صبر کنیم تا بینیم آیا این تغییرات واقعاً اتفاق افتاده یا صرفاً خوشحالی و امیدواری به اتفاق افتادن آن است.

روز نو